

له روشنامه‌ی اذریان

امدادی : ومشابه شودا کوتوم . کومدل .
مکمل دارو . پوسته شو عضوانی
گل اگل حکومت به مهد کوهه کارده کون . هدایت
زی و روشنی کومه لایه تی نهایت . هدایت
پوشش به عنوان اینکی که میان خانه کنکو اون .
قروه اهیوت بی بدمن . هیندی جار
مناخواری داعنای فرقه و اخیل ده کون
پوکاره اینکی کومه لایه تی به تو اونی که مدنانو
بن بسیر دری ؛ بلا وانیه ؛ نهاده
بر اکنی ابهران : نه که کار گیریک
و زده بسیار و نزیرو فرقه بیوی ؛ که
در دره و سی لاگیری دهتاوکاردابین
عن ، لا زمه کارگران و اندامه کاتی
بلواره به تو اولی لایر جاو و مگرن و رعا

لنان گوئی : وظیفه این دناده کاری گومند
و بفرخه یاکی بیوسته نهور شوشهه
نمذنبی فربی بین و بدخلکی رایگین
ی زوری گومند پیسوادو یکاران در دمی
باکی حالی بکری : هداتهمو گمس
دوخوریت خشماً بمعیتی
راجمه نه گلن جو گنکو میون و دانانی
لکلوب و خانانی کاره و نایخ شغلکش

به همه و مری لیره دایرو که مکونه تی را بر دادو
نه با اوی گرد داده کانی بیوسی حی و ناقص بیون
بیو گوره بهش نیو می که مکونه تی به دست
مکونه مل و ظلمه کی گومند نیو مهوده .
نم ماری و شوینی و سنا کی اینه که گمل پیشو
به نه اوی گوره داده : ایست حکومه تی ده دست
ایه دایه رو هم بیرون راه همانی وی ده گکن . له
نه مهی بیو سه له گفراش و گوینه وی گومنه
نه عنی دا نه اوی کمیسکی که ده زانیز و د یونه
هدیابی پکین و بیهی رسو خوق کهم و گوره
خونه رو تونکیکین . به گذر بینو و ادایست بدای
گه من خونه بخونه بخونه خاتمه نه کر داده .

له کوپونه ومهی کوملهایانی کنه وجوره قسویا به
پیشنهادو مطخر ده کسری و باقیاب دمیسی ،
قطعاً لدمدرمه طیور کردن ممکن نایست ،
بلکه بیوسته لوغه لاقتم (تفیید) له کوپونه ومهی
کوهلهایانی ، شناور سکه کان ، یافته‌گلایانی بعذیرت
لوغه مطخر بکریت ، هنلا نه گرفته و مداریان
شکایتیانه دهیم ، بیوسته ناشکارانی محلى و
کارهای امنیتی

«نعلقی آگای دکتر جاوید (وزیر داخله آذربایجان) لدیوه
خانه‌ی شورای عالی آذربایجان ده خصوص (رابطه بهینه
فرنچو دهولت) ». دیستوده‌ی شخصی رسیده‌ی رئیس (فرقه) و اداره کاتسی دهولت‌نی
له کوبیوه‌ی کوهه‌ی لایته دلایلک نده کره، جونکه‌هار ابرد داد
ریآبیا، یک له پیش کومدل دموهات دانه‌یه، له ویابه‌نهشه وه باس
وست داره، وست ندهمزارترا.

و دور بیانی در این روزهای ۳۰ و ۴۰ روزهای کارکردهای بود است اینه
ب لام لعنه عرضی نمود که حکومت بدهست اینه
و مهیه کو عمل پیوشی را بعلی خوی ده گهال حکومات نسی
گی شنونه کو عمل کلازمه دولتی رهبری بری میکات، مثابه کی
دور گوره بردیه، لعنو اوی دنیاده نهونه و آنها که کو عمل رهبریان
دند کاه کار بر اشتی پیک دیتو دهروان، کایش بان راومستاو
ای ایست، ملکت شد ده که دت، نهانه کسر و آنهاست،

نایت دیت ، نیکت بیس ، نوبت ، نوچت ، نوچت پیش از موقعه ای ایرانی کاشتند و موقعت له ۴۰ هر روزان زمانه
نواهی نایت ، چون چو کایانه که دینتو درون یو قالانجی
نایخانه خوان و دزین و بیرون هولدههند و مهدوای بینک در وختین .
ایمه یه سخاونین کله رهمهیری کومال حکومت تشکیل
اسد دسته مقدار یه کچک مدت رود و به شکنگوته .

دیاوه، و دمن پیده زنی مسخره، در روزهای آذری این
عجیب است که مگان کوچل زورون به لام کومه‌علی آذربایجان
بوخواهیم له زیر خلموز زوری تاران. و دمن هیانی بیوسنی

وَلَا حَمْوَةٌ
دَوَامِيَّ نَاهِيَّ
تَابِعَتِيْ خَوَافِيْ
إِيمَهُ بَحَرِيْ
دَنَارُوهُ وَدَدِيْ
هَلَبَتِه
بُو خَالِصُ لَه
عِلَّيْ وَنَهْجَانِي
لَهِبَيْشِيْ تَهَيْ
لَهَرِيْبُ دُودَادَادِ
وَدِيْصَانُ يَهِيْ
تَلْفَاعِكِيْ بَيْ

نهی ایرانی کاری
ت، جون هم کایانه
ن و درین ورین هود و دل
و مورین کیکه رعیتی
مش بیفری سکھ حکوم
لهمیگان کومل زور
زور ظلم وزوری نار
ب میلت سکھ حکومتی ن
و سکھ حکومتی و حکومتی ن
پریبوره کاریکی کمه
ز نزد مورین دیتبه گوریت
در اس آستان گردید.

که دینو دمرون بـ
دین و اهدای به نیکـ
کوچک حکومتـ
در روزه یشـ
ند بـلام کـومـلـ آـ
یان و بـدهـ هـیـانـ
کـلـکـ مـاـ
پـشـداـ جـایـ زـورـ
کـوـمهـنـیـ پـشـ کـرـدـبـوـ
هـمانـ کـسرـدـبـایـ هـاتـ

دزد رکبر	ب دوست
وقاچانچی	ب شنهای
مروخن	قطایله
تسلیک	پالکو
کونه	لواهه
ربیاجان	شکایت
بیوشی	اباشان
جوئنکو	بکوتة
دوپناقص	نه کربر
ساؤ چوره	دمیت
لاماش	لاماش

و موسی نویشیدی
دو مطرح د کری
نموده و طرح کی
بیویت لوموند قم
ایرانی، نهاده که کان،
مطرح پیکرت، ملا
پیان همی، بیویت ا
نموده اندی برگزین
بری، والله نا
همو قمه بکوئی
عطیات.
نهاده نهادت راهیله

نیز با توصیف مدینی،
دردنی ممکن نایست.
آنچه از آنها کوئی بهنومنی
پایانه شگذیگانی بعزم نزد
که گرمه خود را ماندaranد
نه است کیلانی محلی و
قرن تقض و عصیانی
و کسولانو بازار
و پاسی بکسری
بین فرق و دولت

لہ پاشن کو
زور تورس و بھر
کھلبری دادھنی
جو نگوہی نسی
بھجوانی ویجا کی
بیچھسو کڑیک و
ناومندی مراجھے
لکھ کانی کومھل
کھنیں بیکات جوون
ایضاً تازہ پینا ده
و نئو کھنسائی ک
کانکی تر مون : ھو
لپیدر ٹوڈی کمک

تی : وظیفه اندامه کانی کومل
خنده یعنی بیوسته تبریز و شوره
فریزین و به محلکی رابنگانی
دیگی کومل میسوس او دیگارین دمی
حال یکمین : هدایتم کو سر
داخوتخونیت خشما پیدعیتی
نه کهن چو شونکو بیون دانانی
سوهانی اگر و نانی خدایکن
نکو دمان حکومتی آذربوی
دهانه سهر کاروباری هیز بالیدار

ماهی جیش نیا پشم

لدوای آغازیابی نیو میراولی ترموه هدر ک
یاتکی کرد و بلندیکیان بول یشکنی ه
که همان روز کرد

۱- پیش مدر که قادر آنای فارماني ۱۰۰۰ ریال
۲- آنای محمد امین آنای ابلختانی زاده ۱۰۰۰ ریال

- ۳ آنای مسروقی ۱۰۰۰ ریال .
- ۴ آنای افتخاری چواردولی ۲۰۰۰ ریال
- ۵ آنای برایم قارمعانی ۱۰۰۰ ریال .

۶- آنچه قسم آگاهی اینچنانی زاده ملابن حاجی
باز آگاهو محمود آگاهی اینچنانی زاده ۳۰۰۰۰ ریال
همانی
۷- آگاهی سلطان آنچه وطنست، ۲۰۰۰۰ ریال

- آنای محمد امین میتی ۱۰۰۰ ریال
- آنای رحیم شافعی ۲۰۰۰ ریال
- ناسالدن
- کورده است
- آنای اسماعیل شیخ آنای ۱۰۰۰ ریال

۱۱- آغا حسین آغاو عبدالله آغا دار بهادر
روزی ۱۱:۵
نامندگان سفرونه .

۱۲- آغا شیخ سعید بخت ۱۰۰۰ ميل

سہر بہ خ

۹- آنچه رحمت شافعی ۲۰۰۰۰ روبل
۱۰- آنچه امساعل شیخ آنچه ۱۰۰۰ روبل
۱۱- آنچه حسن آنچو عبدالله آنچی دار به مر

۱۲- آخوندی شیخ سعید بر هانی ۱۰۰۰۰ ریال
نامندگانی سه روک جمهوری پهلوی گوره داشتند
لهمانی هم باش تیمور و ناهید باشد اندیمه روزانه

۹۰

۹- آنای رجعت شافعی ۲۰۰۰۰ ریال .

۱۰- آنای اساعیل شیخ آنای ۱۰۰۰۰ ریال

۱۱- آنای حسین آنای عدالت آنای دار بیمه

۱۲- آخوندی شیخ حسن بر هانی ۱۰۰۰ ریال
که آنرا مانندی شیخ نیز مرد و نیز اینجا خانواده ای را دارند و روزی
که آنرا مانندی شیخ نیز مرد و نیز اینجا خانواده ای را دارند و روزی

• 898

۹- آنای رجست شافعی ۲۰۰۰۰ ریال .

۱۰- آنای اساعیل سیخ آنای ۱۰۰۰۰ ریال

۱۱- آنای حسن آناغو عبدالله آنای دار بیمه

۱۲- آخوندی شیخ سعید برگانی ۱۰۰۰۰ ریال
که آن را همچنانی اهدیست
لهمانی داشت نیز مرد نجاحی خانه اندزمه روشنامه
ناساندی سروک جمهوری بزرگ گورستان

کور دستان از پادن تاریخ ناسال ۱۹۴۰

ترجمه: مسعود محمد حبیبی

(نامه سه را آوده)

۱۱

برای مردم طوشنم: مجتبی گیل: تهییش داشت که ده کم
لوقت لی خوارل، که و ده بی و در نه گیری و غافل نور و خود
در چونکه نیز ویله که کندی و بیت وانه: که من اینکه بدریت
ده کم و مخصوص دویور نات قلب و خزانه چه شیوه کور یکی
خواه موسسه که: این اینکه: از اینه که در آسمای باخته
دموی و پیشیت دنایم و نهایم: که نلاویکی خوانده از اینه که
ده تو زورت کور مردی خوب و مسنه بنت که نادمه بی خود
دا همراه دانی و لذان بیو: که تو ایستا کاریم * مسیسری و
مانوستان خبره که روزه که نیزه ای ایستا هم ایانی * .

سویه نات از داشتم پیشنه که نه وان چو به ترازو شوی نهانی
کرده داده و زبان و وزنک خوت نوانه و دروی کور دات سی
که دویور بجهه که: نه ای دنای که که نه ای ایکه که ایانی
کور دسانی تو بگیریشتو زانی بیو تو به برات که بیو * .
بدام داخی گرام طاری بزرگی کوری و المان دایک و
پای خوت بتوی: بادعنی و به آنست و این ایوی که نویکه کسی
ده اوسی * .

نه کار نیازان: و همکو نه: بستکو: خوت ماند و بکه پیر بجا
اوین است که مصدرا بجا که بخش بر گردان
از همین گفتار پیشانی بر پانکه آینه مباریه
زدشت که درید مانعینی آذری بجان نولایه
و ترتیب شده در آنکه گرد: که مفسودا ز دعوت
نه کار نیازان: و همکو نه: بستکو: خوت ماند و بکه پیر بجا
پیوخار بتوه: و نه گارد دنار و خربه آن تسدت. اند و سی
پیوخار بزان و نیکی که به که دفعه ناشیه دل دل ده موته و می
کوره لخوت دشیتوه درینه شاهی ترسو پاندو تو کی کوره
کانی ها خوچونه هاو پیشنه: بر ای کم: خود کور یکی خوش
کردم: زیستان بیود و کوره دزان جاوی به قصراوه کانی تو
یکدیو بیچاره ای که زده کاتو توره دهی و مل دنی لسیرن او
بوله و نه گلد همیرت بی نه من که خوم بیرایه کسی بدهمه گرد
آوازیکی راست نیز گرد و گولو تو دنایم تاویستا چهند جاره
د راه دهه: و که تقدیم دهه: تاره ایه و که دسته العوچشه

له کور دستانی چند بیه هاتونه

بو جمعیتی اقوام پی عصبة الامم)

۱۹۲۱ دا و تراوه

بندی^{۱۱}عصبه الامم کو می که کوره
به پیچو بناهه قبیل و دوروهله دور بدورو سوحقی کور دستان
نه کاته هدای خونه نه شنگانپیچو شو کولوی بی کور دی هزار
نه گوت هم کو مه که مرستگارلوچنی انداب مرخنی هات
گذر اکشنی کرد رساره مولاننه کمر راسته که که همی سرمه
پیش بی نیات همانه بردنه!!تاریق ناییش تو چیت بی اه که ان?
کو که کی دهستی متر هندرسن!بندی^{۱۲}پیو اقلایات که دسته سه ما
جذبی (بسطورت) له کوی بیاناده؟هدایه هچ و ورج بیمه شکو باسه
تو خوشی کور دت بی کرده که؟هدایه اطراف اغانی لی بیوه دومنه!
ایران و تور کو علایمیهتقویت ایمه کم له کهسته و
وهاده هستوری زریک نه خدیه و و

له بعد التاکی کی: نیمه دهیه؟

نخو هر بشده و اشولی غریبه!!

کوئه ای درو خیکمی مکر و فن
کوئه کنی دهستی متر هندرسن!بندی^{۱۳}

که در بیشترین پرورد و کوره‌ی زان چاروی به تو سراوه کاری تو
بکنوی نیوجوانی گزنده کاره توره دمی و ملدنی لسترن و
بوله ونه گره بله بیت بی نهن کخون به ایه کسی به نهمه کسو
اگر هم چیزهه بی بود کوون باقی تمانده آثار
براهم که از آن دو میدانه، معنی تردید کرد.
آنده هنچله شیری است از سک، تزدیک همسان و
دشنه است درینجه که می‌لای آن علاوه‌اش آخور از
آن است. «تاریخ عبدالله رازی هدایتی با کمی دست
دو لذوقی و یعنی گرو تو دهزان ناوستا چهند جباره
روی دلوزدیه یعنی کوتوله بیت پارامه که دهست لهوجه شته
نویسنده لکلکی بلام نهتو کوتی هدایتیه و پیشنهاد نه کرد و
وملاکی باشت هدایتیه و همنه لایش مله داش بیزیکه نیز
کوتیت آی آی جا به خوت «کوش» گر کی سوت مندره
پس از اینکه دولت ماد سقوط کرد بخشی سیاری
کاره گرفته بیکی حج بیانش که، و بیشه‌یکی نه خوشند و
ایرانی نهمن ده گری : نه بش جو نکو و ملای کار برو
دستی پارسها را بر خود همار سازند و باقابل
(کوردو نهن) مخاطب شدند و بخشی بزرگی
دستان گرتیوه ده مهانی : بنو تور دل ناسکو کهم چیکلدانه‌ی
ماوه لایلهه ۳

(زانیانے کوئی)

ملا خضری نالی

ملا خضرنالی گوری (احمد شاهزادی) و خشدلی گو وندی
 (خان و خوش) ی شاهزاده زوره تقدیر و مردی ۱۲۱۵ ق. ه پایانی
 سالی ۱۷۹۷ م. داده ایل بسته و نهاده زمده ایل ایل خاوه
 (فریداع) کاگنی زاست بتو رو خودنین جوانی خداوند ایل
 دهسی کرد و بعده کوئن لمه زمز کاریدا اس ایل دلخ کاجیکی
 زور و زانی و بیزی (بیزیه) نزد خوش بسته و اشعاری پیدا
 داشتند که ایل ایل د کام کچیه لر زیانی تالله زو
 هدکوتونه و باش چندیلک ایل د کام کچیه لر زیانی تالله زو
 پیشتر بیوه و ایل ایل رزمنی هدروشی و میشه و بسی که کو و ده کار
 سایانی لام استنبول لین دورسین: (بیزیه) بیزیه ایلیه نه زدن
 هم و مدل اوشوشونه (هوله داده ایل: (چیز نکته و درجا و ایل
 شم کس نهنه و سیزی الها نهنه) .

پاش چندسالیک جو ومه سایمانی وله (مز کمتوی سید
جن) دلایی (ملا عبدالله رش) خوشنوشی باشان چند ودوی
وله ۱۳۵۵ خ- قادی چونسته تمهیل و ناتوانی ای عزیز . له و
ماوهده و سکمداد گشایش ای هاته است مقابله کنی و تراخدا من و مه
رزوی خشند و دوست ای دم کوت سام و مهستا .
آنقدر پایا چناند ای مجلس احمدیات ادا زور گفتگوی ادمیان بوس
زوفیه کی و آنچه بربری ده گرد جاز ایک بعنی اویکی خ- لسل

امامتی کمالتیکی کارمایه پیده یابی و خدیریک
دهنی تئیثیک تکبدالی : (نهی ماهمه خدا رله که گزینی
سرومه فضندت کارمایه به لام تماز کسی بکله
نهم کارمایه) .

لدوای مردنی سایمان لشاو بونی احمد پاشا
تمامیز تعریف و سیر و زیکی بسته بسیه کو ینیکی
برتری ادبی و شعریکی قدریه
ناسایمانان نسبت به مدرار تحقیق آخوند
اصحی دلخواهی امیدوار تخت آرایه بدو
آنچه در این مقاله

شاد جمیجا (تالی) ۱ تاریخی جم تاریخی به
قانلین هم عصر مادا اسکندری جمیجا نهاد
که از جم زرده چو بود استنبول لاده زاده شد
و هیدریک نهادی دهیانی قزویر بیری شتمان و گاه
سوکاره که مکات و قصیده بکی در روز جوان
دهنو سوی و دوسته باکانی سایه ایان و ایان دهبررسی
که بعده سلیمانی یازنه نهاده همراه هم شعریتی
قرابانی تو زیری رسیده تمی باشد خد و هم روز
هی ریمکی شاره دزا با همه ایان شاره ایان مزور
و لاده زاده ایان مدلی
آیامگامی رخسته لام و دنیمه بوده
۱۰۷ - ۱۰۸ - ۱۰۹ - ۱۱۰ - ۱۱۱ - ۱۱۲ - ۱۱۳

(زمانی حادی پیش)

(نامہ دیکھی سہر آوہلہ)

آویکی و مهدیه ده کووی : یه خوت بیو : کیشتم
یه خوت دا بشکنه وود و دلت بششم :
ای خوم لی آختنی و فور و قاب داشتند و جاوه نور بیوم

بنویسی و هفتادمین توانی وی تاره کاٹ بین م هسباردي هرث - حسین

میراث - حین

پسندیدنی و خوشی به همچیزهایی که بدمتی خوباند و ماقی نیشتمان کرده و بیوته جزوی تک لامباماند که چنانه کیمه دخنی استقلال امدادی شوریداً پسندیدنی نباشد که این در عرضه گی استراحت و همان خوب بن لادن گی مهدی دیتوندجه شیریزی شندو کردنی اینی آزرسکی دیمان یمیون زورزتگه بو اینه بهداشتی میکری روپنه روموت و ممال و مثال قدر و اسر احتمان: همه سایه امیدی خودای بدرزی هواول و رمانی پیشوای خوبی خرمان هه تا ته اوی خاکی باکی کو ز دستان لوزر چنگلی پیگانان رز اگرمه کهن و بدمتی اوی دویاخونه ناسین که کو ز داصح شیر سوتاموسه دستوانی استقلالی آزادی خوی خفظیکا پدر احتمان دلائیشن .

برایانی خوشoust شاده یه تی بیش هر گاه که هر دو کو بیمه اوی محیوب بدمتی و تدبیری ایمه لاهه ز ماشیتی خویداً فاره وی الهمه ایروش با آنلودی هدیه کدولت المخربونه و میلات تشکل دهنی و هدر میله لته که اتفاق از این خوب بدینه داشتینی بهدوی بیمه مرگانه و پیش موگه کارکش نظر ادی میله لته :

لوجیتنداده دمین دری کدیر ایانی به احساسات در اول بیانز یقلاه شنگو هزیده کن احساساتی و ان زور فایل تقدیری اینجاده می بذانیش از کردی بال نای انتظار ایشکی شهخصی مان همی یک کوهه گرد ایون: دمته ایوی چی دیکه ذمایلو همسیر و زیر چاپو که بی نیو: مات کرو بی صاحب نیش دمی افرادی میلیتی هفت که دس بعده بین خسوی له ومهی ز ای احساسات نشان: دمین بعده سله مال روحی خوبی لاس سازیری دست داشی و بینه دانی ماومله لایه ره ۶

تل	که پر لکه
دره	شیو
خطافر	چسوم
سلاو گز	منیل
قویکه	گودال
کندنر	میشار
دارستان	اراضی متجر
لیره و ار	چنگل
پیشه	لیره و ار
فلستان	فلمار
قایمبه لان	نی زار
دور واوی	بورزار
کنار لیره و ار	حاشیه چنگل
آوان	کنار لیره و ار
گکول	کنار
دریاچه	پیاه
برداب	پیاه آو
پنلازی	زهل
روم	روم
زی	خط
جو گله	چو که
کور دستان	کور دستانی هیز مرگاهی دیمو کراتسی
ماومله زماره ۱۸	کور دستان - ناآواره .

تاریکی لهزی خومناندا نهیش
آغا رحمن درسی شریحیکی لهزی
عنوانی (مزدهت ایسی که صاحب بودیابو) نویسند و دملي و ملکه بوری بدانان تموای مخلوق
پرله اسان و حیوان و دارو گول جاوه همسیر و در کوتی روزن! ایهش هر واجا جو تو روی
کهور روزه بیون، کهور روزی ایسه ش (جانبی) قاضی محمد پیشوای بوری کور دستانی (مادر) کهور و ودر موشین هات هر ام و ایه کهچی دیکه تاریکی له رینی خومان دا نهینین .

زور به شنی بتوسی و هناره توانی و تاره کات بعنی بن
بندی بعنودام نهاردی .

برات - هین

پیمیزوه - هه لینه تی تحریریه روزنامه کور دستان
لديش هدو شنیکا بدرزی بندیو دوامی زبانی بس ایشان
لديزون وی هاودم دارا ده کنم . وسیاوس سمتانی بزدانی
گهوره ده کنم . کهیر ز سخت کهنه کان گههوره روز برسد
کهوقتی کور دستان دم کوشش ایون باع و چینی کور دستانیان
لخاری بیگانه بینجهی همت یال کرده و . نازام پالداری گیان
بوچ لقصمه پادمنا نافری کهدر کنی روزنامه مان . بازمانی خو
بوز کراپه و بکاری دنیادا بالاوری تهه و سعادتی سر لخوی بیش
بدخشنده و . بدلیکی پیره آنکه دلیم ای خودانی می هزیک
هدتاهایه روزی سعادتی کور د آوانی . رجا و ایه گههوره
کهده استم لاروزنامه خوش و استدا بوجا کن .
هر کس کهده می خوی لمیرای مسلکی به ردا
ناموسو حیا و حیثیتی خوی به هدف دا
خر هینهندیه غایبیتی او کمه پلکو
مالو سارو دین و شرمه دیشی له خطر دا
گدر خسروی عصره نیستی قیمتونو خوردت
شنهی کهکیا خاکی دهی نیزه پاسدر دا
مردی کهکی هیستی بوس بارزی . ولاتی
پیم و مهشیه بالالی لدنیو یستی بدهر دا
تا ماوی بدل گرامی لیو بارزی و لات
تیکوشه بی بی سنتی لاهه جیو گزور دا
پیم فخره لس رسته سهیش، تی خاکسرو و لاتم
خونین بوری بورگی سیم سوور بسی له برقا
احمد پیشجو نی طله لهیه (خرچن)

تسکا

له ثواوی برایانی خوش و سوت بناهه دنی لکه کانی حزبی دیمو کرات
کور دستان که روزنامه یام طبله عانی دیکه کان بونار در اووه : و تا
استابولان نهار دهه که کن لوهی زی اترو و ماشی نهخن و بولسان
کور دستانی
بو بینن .

پیغمبر و زه

کردند و می دو ده بی لب زیر فرمانی پیشوازی مجبوبان
باناداری بمنزه و کارکسکی میکنند که برتر و رشد
میلئتی کورد شهزادیوی میبلندنی متمدندا
دستگذیتاده :

له آخیری و تازه که مدعا عذر عرض ده کم له
ده میمان معلومه که نهادنی نیزی ایمه به
واسات بسات بدوی مردان دی لعایی زحمت
و سیلست و تهدی دری تظیری آنها مایده
کورد رفیق محبوبی جمهوری کوردستانه
لهمه لعمریه و اجنبی و اجاته گه رمانی
نمودن خصه معلمی بدو اجرای بین و داشتا
پهلوان ای رفیق جمهور خودای پوز میتی
و بیوگه بشن آزاری یا کت خودا (مولفو
پایدارت) بکا - محمد نتوان ازده

کوردن از پادشاهی

ماز امرای مادی در جای خود مانند. و در دولت
خمامشی می مناصب علیا بگیریدند و گاهی بتدیت
این دولت بر بیخواستند و این کشاش ادامه
داشت تا اینکه استکندر مقدونی دولت خمامشی
را نظر پرس کرد.

ولی عثایر کوردن دیگر که در کوههای
کوردستان میزستند استقلال داخلی با خارجی
خود را در زیر فرمان فرمات و ایانی کورد و بارت
و ساسانی و عرب و ترک مخطوط مبدلا شدند. دنیالدارد

- ۱ - لابری ۱ دیری ۳۰: ریال
- ۲ - د ۲ ۲۵ د ۲۰:
- ۳ - د ۳ ۱۱۵ د
- ۴ - د ۴ ۱۱۰ د
- ۵ - کاغذوا کت صدی ۲۰:

دیسان هنر گینی !!!

لوژماره ۱۳ دا ولایم آزاد یونی برای گیراند
کاشن بعد عرض خوینده وارانی خوش بوسیت گهیاند
لدازی پلاروپر تاوه برقی قساو ساس پهادا رو و
انتفای تا خویید و به کلته توییش تهه من گیجهش
پیغمباوهان کیشنا بهلا خودای بهارز دل ایمه

مهاباد - چاپخانه کوردستان

(آگاهداری)

زندگان و زنان قدمه شده
له سر قراردادی هیئت تی می کوردستان همراه بیاریک به زور
زئی پیشنهاد گوئر ایستاده یا هم کوئر ایستاده
بوز و نه گر کوچکش در آکشیده ای او بیاوه بیکوئر زئی هم اکشیده
خوازیزینی بکا و نهندنی و مانع شروعیش تهی به پرده نه بی و
کچکه رضای بی جزای نهاده گرنه لمه سیه ماکوکه تا رسال حس
ده کری. ۲۴ دی بندان ۱۳۲۴ دیش هیئت تی می
کوردستان حاجی سید ۱۱۰ دینه

آگاهداری

له طرف هیئت تی می کوردستانه نهاده قرار درا که که
پهلوان سعد مرغوبی کردن دهی بکاری شور عی اعلامی
هر دو دلار علیقی به پهیچن جهودیت فهم خارج
میکشی مجملی سرمه خوشی بیرونیان دهی لعنی تکریز
دانشی و تابیریان امداده خوشبختان بکری. هردو کوئر
۵۰ دلار میوی مجلس سعاده خوشی رسماً رویزکه هم قرارداده بیو
همو شاروده ایانی کوردستان حکمیکی هی
۲۴ دی بندان ۱۳۲۴ دیش هیئت ریشمی کوردستان
حاجی سید بایا شیخ

آگاهداری

پهلوی نهونساوه بند اوی کریانی جزای برو سکه رادم
شگنیده تهی دهه نهاده که جزای برو سکه له معموت چه
و داده ایکی دیکش نهشیری مانگانهی جزای برو سکه زاری به
دهی برایانیکی که برای جزای برو سکه ده کارونی که
مائوی برو سکه هیچ دلایل پویانگانهیان لی کشا برویان
له مدلری مانگانهی جهه کاشکانی برو سکه بهارانیهی مصراوی
بیونانههای مانگانهی خوبان بدمن بیچه و آنها و آنها که پیچ در وزرش
مالکی را برید و هاشم روزه کامی خوبان بدمن بیچه و وزرش
حاله دبر درت و بیچنی له رونا کامی استفاده نکا.
کومیتهی بکار کاری خیابی دیمو کاری کوردستان

زماره ۱۵۶۱ بکار کاری خیابی دیمو کاری کوردستان
۲۴ دی ۱۳۲۴ بکار کاری خیابی دیمو کاری کوردستان